

تأثیر کیفیت زندگی بر جرم سرقت

مهدی مقیمی^{*۱}

۱. استادیار گروه جرم‌شناسی دانشگاه علوم انتظامی امین

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۱۰ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۰۹/۰۵)

چکیده

زمینه و هدف: کیفیت زندگی به احساس و درک فرد از موقعیتش در زندگی در زمینه‌ای از نظام‌های ارزشی و فرهنگی که در آن زندگی می‌کند، اشاره داشته و با اهداف، انتظارات و دغدغه‌های او مرتبط می‌باشد. این پژوهش، مفهوم کیفیت زندگی را با «جرم» مرتبط ساخته است. چارچوب نظری این پژوهش براساس نظریات بی‌سازمانی اجتماعی، تئوری کجرفتاری مرتن، نظریه رضایت، محرومیت نسبی، تئوری فشار و فرهنگ فقر تنظیم شده است که هر گونه کمبود در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را زمینه ساز بروز جرم و انحراف تلقی می‌کنند. هدف این مقاله، بررسی تأثیر کیفیت زندگی بر ارتکاب سرقت است. روش تحقیق: تحقیق حاضر، مطالعه‌ای پیمایشی می‌باشد که با استفاده از ابزار پرسشنامه محقق ساخته بر روی ۴۳۲ نفر از سارقانی انجام شده است که در زمان انجام پژوهش در زندان تهران بزرگ در حبس بوده‌اند. انتخاب نمونه‌های پژوهش براساس روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و نمونه‌گیری نسبتی انجام شده است. یافته‌ها و نتایج: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین متغیرهای مستقل تحقیق شامل درآمد، تحصیلات، رضایت از وضع موجود زندگی و نابسامانی‌های اجتماعی با متغیر وابسته پژوهش (ارتکاب سرقت)، رابطه معنی‌داری وجود دارد و به همین دلیل چهار فرضیه پژوهش، توسط آزمون‌های آماری تایید شده است. کلیدواژگان: کیفیت زندگی؛ سرقت؛ بی‌سازمانی اجتماعی؛ فشار اجتماعی؛ محرومیت نسبی.

مقدمه

سرقت یا دزدی یکی از رایج‌ترین جرایم در همه جوامع و مخصوصاً جوامع شهری است. تردیدی نیست که وقوع جرم در مناطق شهری رو به فزونی نهاده است و به همین دلیل ترس و دلهره افراد جامعه از قربانی شدن جرم نیز به موازات آن افزایش یافته است. بر همین اساس توجه زیادی به مبحث وقوع جرم در مناطق شهری توسط محققین در نقاط مختلف دنیا صورت گرفته است (شافر و همکاران، ۲۰۰۶). این توجه تا حدودی بدین دلیل است که ترس از جرم تأثیر قابل توجهی بر کیفیت زندگی دارد. کیفیت زندگی یکی از مهم‌ترین مسائل پیش‌روی جهان امروز و از مباحث اساسی در تکوین سیاست‌گذاری اجتماعی محسوب می‌شود که موضوعاتی چون رفاه، ارتقاء کیفیت زندگی سلامت‌محور، رفع نیازهای اساسی، زندگی رو به رشد و رضایت‌بخش، نوع‌دوستی و از خودگذشتگی در میان جماعات را در برمی‌گیرد.

وقوع جرم می‌تواند پیامدهای ناخوشایندی برای افراد داشته باشد و احساس بی‌اعتمادی، عدم امنیت و آسیب‌پذیری را در افراد ایجاد نماید. البته پیامدهای جرم تنها به سطح فردی محدود نشده و در سطح اجتماعی نیز پیامدهای منفی را به همراه دارد (مایز، ۲۰۰۱، ص ۲۳). وقوع جرم می‌تواند اجتماعات را تجزیه کند و توان مقابله اثربخش با فعالیت‌های مجرمانه را کاهش دهد. اشاعه ترس از جرم منجر به رفتارهایی می‌شود که برهم‌زننده کل اجتماع است (هال، ۱۹۹۶، ص ۴۰). جرم سرقت پدیده‌ای است که همزمان بر هم‌زننده امنیت مالی و جانی دیگری می‌باشد؛ به عبارت دیگر سارق با ارتکاب سرقت سعی می‌کند وضعیت خود را با تجاوز به مال دیگری بهبود ببخشد. ایجاد حس تهدید مالی و جانی در افراد جامعه ضمن آنکه تا حد زیادی انگیزه آنان را برای تلاش و کسب دارایی و ثروت مشروع تضعیف می‌کند، موجب افزایش هرج و مرج در مناسبات و روابط اجتماعی و به دنبال آن تزلزل در بنیان‌های نظم عمومی و تقویت بی‌سازمانی اجتماعی نیز هست. رفع نیازهای فردی و جمعی به هر شیوه ممکن است از طریق تجاوز به اموال غیر و همچنین انتخاب "الگویی سرقت" به عنوان شیوه‌ای برای تقویت خرده فرهنگ‌های بزهکاری، ظهور و شیوع سایر جرائم اجتماعی را در پی دارد (هوشمند و کوه شکاف، ۱۳۸۱، ص ۶۷). بر این اساس این پژوهش در نظر دارد به بررسی رابطه بین کیفیت زندگی و وقوع جرم سرقت پردازد و در این راستا سوال اصلی تحقیق به این صورت است که کیفیت زندگی چه تاثیری بر ارتکاب جرم سرقت دارد؟

همچنین سوالات فرعی تحقیق به صورت زیر مطرح می‌شوند:

سوالات فرعی تحقیق

۱. آیا میزان درآمد (یا عدم درآمد) افراد بر جرم سرقت تاثیر دارد؟
۲. آیا میزان تحصیلات افراد بر جرم سرقت تاثیر دارد؟
۳. آیا میزان نابسامانی‌های اجتماعی بر جرم سرقت تاثیر دارد؟
۴. آیا میزان رضایت سارقان از وضع موجود زندگی خود بر جرم سرقت تاثیر دارد؟

اهمیت و ضرورت پژوهش:

با توجه به مهم بودن کیفیت زندگی برای افراد جامعه، تلاش برای ارتقاء آن از اصلی‌ترین اصول و اولویت‌های برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران اجتماعی و مدیران و مسئولان حکومتی در هر جامعه و کشوری است. لذا به جرات می‌توان گفت کلبه برنامه‌ها، سیاست‌ها و عملیات‌هایی اجرایی در یک جامعه در راستای ارتقاء کیفیت زندگی مردم آن جامعه است.

توافق عمومی در میان محققان، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در خصوص نیاز به مطالعه کیفیت زندگی وجود دارد. این مطالعات غالباً وظایف کلیدی از قبیل آگاه کردن شهروندان، گروه‌های اجتماعی و سیاست‌گذاران از روندهای کیفیت زندگی را بر عهده دارند. نتایج مطالعات کیفیت زندگی می‌تواند به ارزیابی سیاست‌ها، رتبه‌بندی مکان‌ها، تدوین استراتژی‌های مدیریت و برنامه‌ریزی در هر جامعه‌ای کمک کرده و درک و اولویت‌بندی مسایل اجتماع برای برنامه‌ریزان و مدیران آن جامعه را به منظور ارتقای کیفیت زندگی شهروندان تسهیل سازد. همچنین یافته‌های کیفیت زندگی می‌تواند برای بازشناسی استراتژی‌های سیاسی قبلی و طراحی سیاست‌های برنامه‌ریزی آینده استفاده شوند (لو، ۲۰۰۹، ص ۱۲۰۷).

علاوه این، مطالعات کیفیت زندگی می‌تواند به شناسایی نواحی مسأله دار، علل نارضایتی مردم، اولویت‌های شهروندان در زندگی، تاثیر فاکتورهای اجتماعی - جمعیتی بر کیفیت زندگی و پایش و ارزیابی کارایی سیاست‌ها و استراتژی‌ها در زمینه کیفیت زندگی کمک کند.

کیفیت زندگی زمانی بیشتر مورد توجه قرار گرفت، که گسترش روزافزون فرایند صنعتی شدن و تولید انبوه کالاها و خدمات متنوع در بعد کمی مشکلات زیادی برای بشر مدرن به همراه آورد. با افزایش جمعیت، شهرنشینی و تمرکز صنایع، سرمایه‌ها، امکانات و خدمات شهری نیز رشد کرده

و شهرهای بزرگ به کلان‌شهرهای کنونی تبدیل شدند و مشکلات سخت شهری پدید آمد. از جمله این مشکلات می‌توان به پدیده جرم و انحرافات اجتماعی اشاره کرد که امنیت جوامع انسانی را نشانه رفته است و موجب زیر پا گذاشته شدن حق مالکیت خصوصی می‌شود و لذا به همین دلیل توجه بسیاری از دانشمندان و صاحب‌نظران به مفهوم کیفیت زندگی معطوف شد تا از این طریق تلاش‌هایی در راستای ارتقاء شرایط و بهبود بخشیدن به بعد کیفی زندگی بشر صورت گیرد و از سوی دیگر کنترل بیشتری بر روی جرایم صورت گیرد.

یکی از مهمترین ضرورت‌های انجام این پژوهش، ارائه راهکارهای حاصل از یافته‌های پژوهش است که بر اساس شناخت حاصل شده می‌باشد. انجام این چنین تحقیقاتی فواید کاربردی زیادی دارد که می‌تواند به پیشگیری از جرم بر اساس برنامه‌ریزی در حوزه کیفیت زندگی منجر شود. به عبارت دیگر، با توجه به شناختی که از وضعیت کیفیت زندگی افراد سارق به عمل می‌آید، می‌توان نقاط ضعف موجود در زندگی آنان را شناسایی نمود و به برنامه‌ریزی در این زمینه‌ها اقدام کرد. از طرفی باید این نکته را مدنظر داشت که هر گونه اقدام پیشگیرانه در این حوزه، وظایف و ماموریت‌های پلیس را در حوزه مبارزه با جرم سبکتر می‌کند؛ چرا که پیشگیری از جرم سرقت، باعث می‌شود حجم فعالیت پلیس در عرصه مبارزه با جرم کمتر شود.

اهداف تحقیق:

هدف اصلی:

شناخت رابطه بین کیفیت زندگی و ارتکاب جرم سرقت.

اهداف فرعی:

۱. شناخت رابطه بین میزان درآمد (یا عدم درآمد) افراد و جرم سرقت.
۲. شناخت رابطه بین میزان تحصیلات افراد و جرم سرقت.
۳. شناخت رابطه بین میزان ناسامانی‌های اجتماعی و جرم سرقت.
۴. شناخت رابطه بین میزان رضایت سارقان از وضع موجود زندگی خود و جرم سرقت.

پیشینه تحقیق:

در جدول زیر خلاصه مطالعات انجام شده گزارش شده است:

ردیف	عنوان مطالعه	محقق	سال	نتایج
۱.	سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی	اونق	۱۳۸۵	وقوع جرم به طور همزمان کیفیت زندگی شهروندان و سرمایه اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.
۲.	سنجش کیفیت زندگی: بررسی مفاهیم، شاخص-ها، مدل‌ها و ارائه مدل پیشنهادی برای نواحی روستایی	رضوانی و منصوریان	۱۳۸۷	وقوع جرم بر امنیت اجتماعی تأثیر منفی گذاشته و موجب افول کیفیت زندگی می‌شود.
۳.	بررسی دلایل اجتماعی، اقتصادی و انتظامی سرقت در شهر کرمانشاه	دفتر مطالعات و تحقیقات کاربردی ناجا	۱۳۸۸	هر گونه کمبود در شاخص‌های کیفیت زندگی زمینه ساز سرقت می‌باشد.
۴.	بررسی و مقایسه شاخص-های ششگانه جرم در سطح مناطق مختلف شهر شیراز	تقوایی	۱۳۸۹	وضعیت محیطی اطراف فرد و نوع فعالیت فرد به عنوان شاخص‌های کیفیت زندگی بر بروز جرم تأثیر دارد.
۵.	برخی عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم زنان	باقری و ملنفت	۱۳۸۹	بین متغیرهای مستقل (نوع منزل مسکونی، تحصیلات، وضعیت اشتغال، شغل پدر، طبقه اجتماعی و محل سکونت با متغیر ارتکاب جرم رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۶.	توسعه و سنجش شاخص-های کیفیت زندگی شهری	رضوانی و همکاران	۱۳۸۹	شاخص‌های عینی کیفیت زندگی به عنوان متغیرهای تأثیرگذار بر اوضاع زندگی فرد می‌باشند.
۷.	بررسی رابطه بین بیکاری و جرم در ایران	عباسی نژاد و همکاران	۱۳۹۱	بیکاری موجب کاهش کیفیت زندگی افراد و زمینه ساز بروز جرایمی همچون اعتیاد و سرقت می‌باشد.

تحقیقات انجام شده در خصوص موضوع پژوهش، مفهوم کیفیت زندگی را غالباً از بعد عینی مورد بررسی قرار داده‌اند و به شاخص‌های مهمی نظیر بیکاری، وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانوار، محل سکونت خانواده فرد از حیث حاشیه‌ای بودن، تحصیلات و ... اشاره کرده‌اند. مجموعه این عوامل کیفیت زندگی فرد را تعیین می‌کنند و در مجموع این شرایط می‌تواند عامل بروز جرم و یا پیشگیری از آن باشد. از آنجایی که محرومیت در هر یک از این عوامل می‌تواند باعث ایجاد فشار

بر روی فرد شود، لذا زمینه بروز جرم از این طریق تسهیل می‌شود و می‌توان به صورت کلی گفت که کیفیت زندگی پایین، موجب بروز مشکلات اجتماعی و جرایم می‌شوند. یکی از مباحث مهم و فراموش شده در این تحقیقات، بعد ذهنی کیفیت زندگی است که در این پژوهش به آن پرداخته خواهد شد و یکی از شاخص‌های سنجش آن رضایت فرد از محیط زندگی خود می‌باشد. از آنجایی که کیفیت زندگی دارای دو بعد عینی و ذهنی است، به همین دلیل لازم است در هر پژوهشی به این دو بعد توجه شود تا در سنجش وضعیت افراد به خطا نرفته باشیم.

۱. مبانی نظری

۱-۱. کیفیت زندگی

آغاز بحث کیفیت زندگی به زمان ارسطو باز می‌گردد. در دوران جدید فیلسوفانی مانند گارد، پل سارتر، و دیگران به آن توجه داشته‌اند. از دهه ۱۹۳۰ محققان آمریکایی به ارزیابی کیفیت زندگی در مناطق مختلف کشور خود پرداختند و پس از آن مورد توجه دانشمندان علوم روان‌شناسی، اقتصاد، سیاست، جامعه‌شناسی، پزشکی بصورت یک موضوع میان رشته‌ای قرار گرفت (غفاری و امیدی، ۱۳۸۸، صص ۲-۳). برداشت‌های جدید از مفهوم کیفیت زندگی به واکنش‌هایی که در دهه ۱۹۷۰ به رشد اقتصادی نشان داده شد، باز می‌گردد (عبدی و گودرزی، ۱۳۷۸، ص ۱۵۴). در دهه‌های بعد رفته رفته، توجه به کیفیت زندگی از حوزه اقتصاد و محیط زیست، پافراتر نهاد و حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی را نیز در بر گرفت. مفهوم کیفیت زندگی در حال حاضر به عنوان یک موضوع حساس فردی - اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد تا معنایی از احترام و توجه به انسانیت را از نقطه نظر انسانی منعکس کند (ربانی و کیان‌پور، ۱۳۸۶، به نقل از شالوک^۱، ۲۰۰۴).

کیفیت زندگی مقوله‌ای میان رشته‌ای، پیچیده، چندبعدی و مرتبط با جنبه‌های ذهنی و عینی است (علی اکبری و امینی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۳) که تعاریف و مفاهیم متعددی از آن ارائه شده است: کیفیت زندگی، ارتباط متقابل میان جامعه، سلامت، اقتصاد و شرایط محیطی است که انسان و توسعه اجتماعی را تحت تاثیر قرار می‌دهد (اسکین و بولهوور^۲، ۲۰۰۴، ص ۵).

1 Schalock

2 Schyns & Boelhouwer

کیفیت زندگی در برگیرنده ابعاد روانی است که شاخص‌هایی همچون رضایت، شادمانی و امنیت را دربرمی‌گیرد. لذا از این منظر، آن را رضایت اجتماعی نیز می‌نامند و بر اساس آن با شاخص‌های دسترسی به فرصت‌های اجتماعی مثل اشتغال، ثروت و اوقات فراغت توجه می‌شود. برخی این واژه را مترادف با رفاه و عده‌ای دیگر آن را بیانی از رفاه می‌دانند که با میزان کالاهای عمومی و نحوه توزیع آنها مشخص می‌شود (سیف‌الدینی، ۱۳۸۱، ص ۳۷۵).

توان سیک، کیفیت زندگی را معادل احساس رضایت کلی از زندگی می‌داند (فو توان سیک، ۲۰۰۰، ص ۴۶).

سازمان جهانی بهداشت، کیفیت زندگی را این گونه تعریف می‌کند:

کیفیت زندگی شامل احساس و درک فرد از موقعیتش در زندگی در زمینه‌ای از سیستم‌های ارزشی و فرهنگی است که در آن زندگی می‌کند، بوده و با اهداف، انتظارات و دغدغه‌های او مرتبط می‌باشد. این مفهوم ابعاد مختلفی را در بر می‌گیرد که شامل سلامت جسمی (فیزیکی)، وضعیت روانی، استقلال، تعاملات اجتماعی، اعتقادات و تعاملات محیطی است (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۷۸).

بدین ترتیب جوهره اصلی کیفیت زندگی، تامین همزمان نیازهای مادی و معنوی انسان است (پورجعفر و دیگران، ۱۳۸۴: ۹) که برای شناخت و ارزیابی آن معمولاً به دو دسته شاخص‌های ذهنی و عینی در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و زیست محیطی توجه می‌شود.

دقت در تعاریف ارائه شده نشان می‌دهد که در طول سه دهه اخیر، کیفیت زندگی، به عنوان جانشینی برای رفاه مادی، به اصلی‌ترین هدف اجتماعی کشورهای مختلف تبدیل شده است (اشمیت، ۲۰۰۴). امروزه کیفیت زندگی، یکی از چارچوب‌های نظری مورد قبول در بررسی شرایط زندگی جوامع مختلف به شمار می‌رود.

کیفیت زندگی، به نوعی بیانگر وضعیت افراد ساکن در یک کشور یا منطقه می‌باشد (روباک، ۱۹۸۲: ۱۲۵۹).

بدین ترتیب کیفیت زندگی یکی از شاخص‌های اصلی جامعه بوده و دربرگیرنده مهمترین عواملی است که شرایط زندگی در جامعه و رفاه شخصی افراد را تعیین می‌کند. کیفیت زندگی از

اساسی‌ترین مقوله‌های علوم اجتماعی است که در آن پارامترهای مادی توسعه اقتصادی و تولیدات داخلی در کنار پارامترهای غیرمادی چون کیفیت کار، سطح باسوادی و فرهنگی، استاندارد پزشکی و بهداشت، کیفیت فراغت و تفریح، شرایط محیط زیست، جو سیاسی و حتی آزادی و اتحاد ملی مورد بررسی قرار می‌گیرند (کیمت^۱ و دیگران، ۲۰۰۳: ۱۸).

نظریات اولیه مربوط به کیفیت زندگی، بیشتر بر نگرانی‌ها و اولویت‌های فردی تاکید داشتند، اما در سال‌های اخیر، مباحث نظری از فردمحوری به سمت نگرانی‌های اجتماعی نظیر امنیت، آزادی، گستردگی کیفیت زندگی و ساختار و کیفیت روابط اجتماعی افراد در جامعه تغییر یافته است (اشمیت، ۲۰۰۴: ۴۰۴).

با توجه به این تحولات، درآمد سرانه به عنوان معیاری برای ارزیابی کیفیت زندگی با چالش‌های جدی روبرو شده است (رام، ۱۹۸۰). به طور کلی می‌توان کیفیت زندگی را با استفاده از شاخص‌های ذهنی و عینی محاسبه نمود. شاخص‌های ذهنی، منعکس‌کننده ارزیابی ذهنی افراد از زندگی می‌باشند. این ارزیابی با استفاده از اطلاعات افراد که وضعیت رفاهی خود را از طریق پرسشنامه‌های مختلف و یا سرشماری‌ها، اظهار نموده‌اند، به دست می‌آید. چنین شاخص‌هایی، نشان‌دهنده شرایط کلی زندگی افراد و نحوه نگرش آنها به این شرایط بوده و با جمع‌آوری و تحلیل آماری این شاخص‌ها، می‌توان به ارزش‌های طبقات مختلف اجتماعی پی برد.

محاسبات عینی کیفیت زندگی بر پایه متغیرهای قابل لمس، بنیان نهاده می‌شوند. این متغیرها به صورت معمول توسط نهادهای رسمی جمع‌آوری و منتشر می‌شود. هدف روش عینی، بررسی وضعیت جامعه در حالت‌های کلی مانند اقتصاد کلان، وضعیت کلی جامعه و شاخص‌های مربوط به نفوس می‌باشد. طبق روش محاسبه عینی، کیفیت زندگی ممکن است به صورت رابطه متقابل میان چهار مشخصه اساسی فعالیت‌های انسان تعریف گردد. این چهار مشخصه عبارتند از: کیفیت جامعه، رفاه مادی، کیفیت نظام اجتماعی و کیفیت اکوسیستم (باسخا و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۹۸). هر کدام از این مشخصه‌ها را می‌توان تا حدی که سیستم آمارگیری هر کشور اجازه می‌دهد، به صورت جزئی-تری مورد استفاده قرار داد.

تبیین مساله کیفیت زندگی و بروز جرم سرقت در این پژوهش با تکیه بر نظریات متعدد جامعه شناسی انجام شده است که در ادامه به برخی از این تبیین های نظری اشاره می شود. لازم به ذکر است براساس مولفه های دینی، کیفیت زندگی در برگیرنده ابعاد روحی و مذهبی نیز می باشد که شاخص هایی همچون رضایت، شادابی و طرب انگیزی را دربرمی گیرد که این ابعاد خود موجب ارتقاء کیفیت زندگی می شود.

مرتون انحراف و کجروی را ناشی از گسستگی و انفصال بنیادی بین هدف های فرهنگی و وسایل نهادی شده جهت نیل بدانها می داند (محسنی، ۱۳۸۳: ۶۳). در این زمینه تحقیق همبستگی درباره آراء اندیشمندان مسلمان درباره کیفیت زندگی، هدف های فرهنگی و وسایل نهادی شده جهت دستیابی به آنها صورت نگرفته است. به همین دلیل مقاله حاضر، از دیدگاه های رایج بهره گرفته است. نظر رابرت مرتون این است که کجرفتاری حاصل فشارهای ساختار اجتماعی خاص است که افراد را به کجرفتار شدن وامی دارد (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳: ۱۲). بر اساس تئوری مرتن، از آنجایی که برخی افراد از نظر کیفیت زندگی، در وضعیت مناسبی قرار ندارند، به دلیل عدم دسترسی به اهداف فرهنگی تعیین شده مانند ثروت و جایگاه اقتصادی بالا، به سرقت دست می زنند. هر چند که این قضیه در مورد تمامی افراد صدق نمی کند، ولی به عنوان یک فرضیه مطرح است. لذا مطابق این تئوری، سارقان افرادی هستند که اهداف فرهنگی را پذیرفته اند ولی به دلیل محدودیت های پیش رو، از وسایل غیر مشروع برای رسیدن به این اهداف استفاده می کنند.

جودیت بلاو و پیتر بلاو مفهوم محرومیت نسبی را بنیان نهادند و بر اساس آن به تحلیل کجرفتاری پرداختند. از نظر آنها، افراد متعلق به طبقات پایین زمانی که شرایط زندگیشان را با افراد مرفه تر مقایسه می کنند، احساس محرومیت و ناخرسندی می کنند. از آنجایی که طبقه اقتصادی و نژادی در این افراد سبب ایجاد بی عدالتی و ناخرسندی می شود، لذا احساس محرومیت می کنند (حسینی نثار، ۱۳۸۳: ۱۵). بر اساس این تئوری، افرادی که از نظر وضعیت فرهنگی و اجتماعی - اقتصادی، در جایگاه پایینی قرار دارند، نسبت به گروه های بالادست با دیده حسرت می نگرند و از آنجایی که آرزوی دست یافتن به جایگاه بالاتر و اهداف فرهنگی بهتر را دارند، دچار محرومیت می شوند. این محرومیت به دو صورت می تواند جلوه گر شود. یا اینکه فرد به واسطه پیوند با اجتماع و نظام کنترل رسمی و غیررسمی، رفتار خود را کنترل می کند و به زندگی عادی خود ادامه می دهد و یا اینکه

هنجارها را زیر پا می‌گذارد و برای دست یافتن به اهداف تعیین شده خود، به سرقت دست می‌زند. لذا سرقت پاسخی به محرومیت نسبی این افراد تلقی می‌شود.

لوئیس کریزبرگ بر اساس نظریه رضایت، معتقد است که منشاء نارضایتی را باید در نابرابری‌ها و ارزیابی ناشی از آن جستجو کرد. محرومیت به همراه سطح پایین اقتصادی، متغیرهای اصلی تعیین‌کننده عدم ارضاء نیاز می‌باشند که این خود مقدمه نارضایتی است. آنان که محرومیت بیشتری در زندگی تجربه می‌کنند، بیشتر احساس نارضایتی می‌کنند (طرزی، ۱۳۹۱: ۳۸).

رابرت اگنیو بر اساس تئوری فشار عمومی به تعیین و روشن شدن تاثیرات فشار بر سطح خرد و فردی کمک کرد (سیگل، ۲۰۰۱: ۲۰۵). اگنیو معتقد است که فعالیت مجرمانه نتیجه مستقیم حالت‌های اثر گذار منفی مانند خشم و احساسات ناخوشایند است که به دنبال روابط اجتماعی مخرب ظاهر می‌شود.

اگنیو معتقد است که فشارهای وارد شده بر فرد، تمایل به کجرفتاری را در وی ایجاد می‌کند (ممتاز ۱۳۸۱: ۷۸). بر اساس این تئوری، عدم دسترسی به درآمد کافی و عدم برخورداری از سطح تحصیلات بالا، به عنوان منابع فشار تلقی می‌شوند که می‌توانند در صورت غیاب برخی عوامل محافظت‌کننده، فرد را به سمت انحراف و کجروی سوق دهند. بنابراین کیفیت زندگی به عنوان متغیری قلمداد می‌شود که می‌تواند مانع از بروز جرم شود.

تبیین دیگری از جرم سرقت توسط نظریه بی‌سازمانی ارائه شده است. مطابق این نظریه، وجود بی‌سازمانی در محیط اطراف زندگی فرد، موجب کاهش نظارت اجتماعی و کنترل‌های رسمی و غیر رسمی می‌گردد و زمانی که عامل نظارتی تضعیف شود، زمینه ارتکاب جرایم فراهم می‌شود. بایستی این نکته را اضافه نمود که بی‌سازمانی اجتماعی نیز غالباً در محیط‌های به وقوع می‌پیوندد که ساکنان آن از نظر اقتصادی در وضعیت ضعیفی می‌باشند، حاشیه نشین می‌باشند، از نظر وضعیت فرهنگی در سطح پایینی هستند و به همین دلیل مجموعه این شرایط دست به دست هم می‌دهند تا موجب بروز جرم شوند.

۲. فرضیات پژوهش

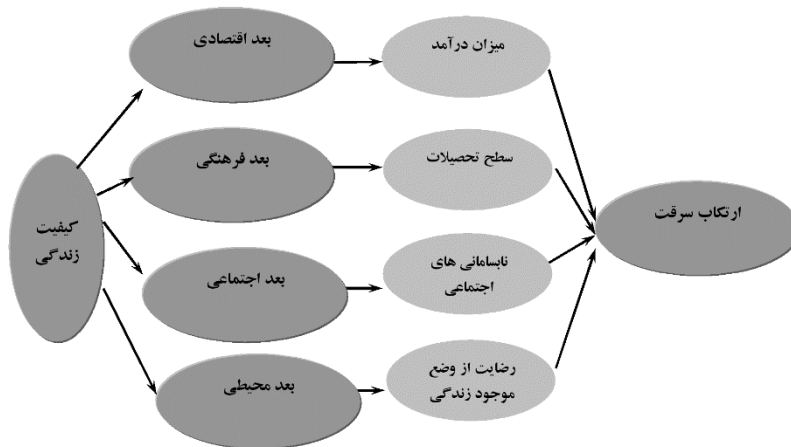
فرضیه اصلی

۱. بین کیفیت زندگی و ارتکاب جرم سرقت رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیات فرعی

۲. میزان درآمد (یا عدم درآمد) افراد بر جرم سرقت تاثیر دارد.
۳. میزان تحصیلات افراد بر جرم سرقت تاثیر دارد.
۴. میزان نابسامانی‌های اجتماعی بر جرم سرقت دارد.
۵. میزان رضایت سارقان از وضع موجود زندگی خود بر جرم سرقت تاثیر دارد.

مدل مفهومی تحقیق: رابطه کیفیت زندگی و ارتکاب سرقت



۳. روش شناسی تحقیق

در پژوهش حاضر با توجه به شرایط و موضوع مورد بررسی، روش پیمایشی^۱ می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه سارقانی است که در سال ۱۳۹۴ در زندان تهران بزرگ به سر می‌برند که حجم نمونه بر اساس فرمول نمونه گیری کوکران، برابر با ۴۳۲ نفر می‌باشد. برای انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه گیری طبقه ای و نمونه گیری نسبی استفاده شده است. با توجه به جامعه آماری متناسب ترین روش برای انجام پیمایش، روش نمونه گیری طبقه ای و نسبی می باشد. از نظر روش، این شیوه نمونه گیری متناسب ترین و کارآمدترین شیوه نمونه گیری می باشد. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد که روایی آن از طریق خبرگان و پایایی آن از طریق آلفای

کرنیخ محاسبه شده است. پردازش و تحلیل آماری داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS، صورت گرفته است که در ادامه به برخی از مهمترین یافته‌های تحقیق اشاره می‌شود:

۳-۱. فرضیه اول: میزان درآمد افراد بر جرم (سرقت) تاثیر دارد

برای تعیین نوع آزمون مورد استفاده از بعد پارامتری یا ناپارامتری، از آزمون کلموگروف-اسمیرنف استفاده شده است که نتایج آن در جدول زیر ارائه شده است:

جدول (۱): آزمون نرمال بودن داده‌ها

مقدار آماره کلموگروف-اسمیرنف	سطح معناداری	حجم نمونه
۳,۹۵۷	۰,۰۰۰	424

با توجه به مقدار کوچکتر از ۰,۰۵ سطح معنی‌داری فرضیه نرمال بودن متغیرهای مورد مطالعه پذیرفته نمی‌شود. بنابراین می‌توان از آزمون ناپارامتری دوجمله‌ای استفاده نمود. حال باید بررسی کنیم میزان درآمد چه تاثیری بر ارتکاب جرم سرقت دارد.

جدول (۲): آزمون نرمال بودن داده‌ها

سرقت		متغیر مستقل
سطح معناداری	R پیرسون	
۰,۰۴	-۰,۱	میزان درآمد

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد با توجه به اینکه مقدار سطح معنی‌دار مجاز برابر ۰,۰۴ می‌باشد و از مقدار بحرانی آن (۰,۰۵) کوچک‌تر است، می‌توان گفت بین میزان درآمد افراد و جرم سرقت رابطه معنی‌داری در سطح اطمینان ۹۵ درصد وجود دارد و از طرفی با توجه به اینکه مقدار ضریب پیرسون بین ۰ و ۱- قرار دارد، نتیجه گرفته می‌شود که رابطه بین میزان درآمد افراد با جرم سرقت یک رابطه ناقص (نسبتاً ضعیف) و معکوس است، یعنی با افزایش سطح درآمد از جرم سرقت کاسته می‌شود و با کاهش سطح درآمد بر جرم سرقت افزوده می‌شود.

۳-۲. فرضیه دوم: میزان تحصیلات افراد بر جرم (سرقت) تأثیر دارد

برای تعیین نوع آزمون مورد استفاده از بعد پارامتری یا ناپارامتری، از آزمون کلموگروف-اسمیرنف استفاده شده است که نتایج آن در جدول زیر ارائه شده است:

جدول (۳): آزمون نرمال بودن داده ها

مقدار آماره کلموگروف-اسمیرنف	سطح معناداری	حجم نمونه
۶,۰۱۹	۰,۰۰۰	422

با توجه به مقدار کوچکتر از ۰,۰۵ سطح معنی داری فرضیه نرمال بودن متغیرهای مورد مطالعه پذیرفته نمی شود. بنابراین می توان از آزمون ناپارامتری دو جمله ای استفاده نمود. حال باید بررسی کنیم میزان تحصیلات افراد چه تاثیری بر ارتکاب جرم سرقت دارد. به این منظور از خیدو دو متغیره استفاده شده است که نتایج آن در جدول زیر گزارش شده است:

جدول (۴): آزمون نرمال بودن داده ها

مقدار آماره خیدو	سطح معناداری	درجه آزادی
۲۶۳,۳۴	۰,۰۰۰	۶

آماره خیدو در سطح معناداری ۹۵ درصد وجود رابطه بین دو متغیر سطح تحصیلات و ارتکاب سرقت را نشان می دهد. به منظور سنجش شدت رابطه بین دو متغیر از آماره کندال استفاده شده است که نتایج آن در جدول زیر گزارش شده است:

جدول (۵): آزمون نرمال بودن داده ها

مقدار آماره کندال تا اوسی	سطح معناداری
-۰,۰۸	۰,۰۴

بر اساس جدول فوق می‌توان گفت رابطه بین دو متغیر تحصیلات و ارتکاب سرقت، معکوس و در حد ضعیف می‌باشد. به عبارت دیگر با افزایش سطح تحصیلات (افزایش بعد فرهنگی کیفیت زندگی)، ارتکاب سرقت توسط افراد کاهش پیدا می‌کند و بر عکس. بنابراین می‌توان گفت که بعد فرهنگی کیفیت زندگی بر کاهش سرقت موثر است و در صورتی که در این زمینه برنامه ریزی صورت پذیرد، می‌توان شاهد کاهش سرقت بود.

۳-۳. فرضیه سوم: میزان نابسامانی‌های اجتماعی بر جرم (سرقت) دارد
برای تعیین نوع آزمون مورد استفاده از بعد پارامتری یا ناپارامتری، از آزمون کلموگروف-اسمیرنف استفاده شده است که نتایج آن در جدول زیر ارائه شده است:

جدول (۶): آزمون نرمال بودن داده‌ها

مقدار آماره کلموگروف-اسمیرنف	سطح معناداری	حجم نمونه
۴,۸۲	۰,۰۰۰	430

با توجه به مقدار کوچکتر از ۰,۰۵ سطح معنی‌داری فرضیه نرمال بودن متغیرهای مورد مطالعه پذیرفته نمی‌شود. بنابراین می‌توان از آزمون ناپارامتری دوجمله‌ای استفاده نمود. حال باید بررسی کنیم میزان نابسامانی اجتماعی محیط زندگی افراد، چه تاثیری بر ارتکاب جرم سرقت دارد. به این منظور از خیدو دو متغیره استفاده شده است که نتایج آن در جدول زیر گزارش شده است:

جدول (۷): آزمون نرمال بودن داده‌ها

مقدار آماره خیدو	سطح معناداری	درجه آزادی
۲۸۰,۰۷	۰,۰۰۰	3

آماره خیدو در سطح معناداری ۹۵ درصد وجود رابطه بین دو متغیر نابسامانی اجتماعی و ارتکاب سرقت را نشان می‌دهد. به منظور سنجش شدت رابطه بین دو متغیر از آماره کندال استفاده شده است که نتایج آن در جدول زیر گزارش شده است:

جدول (۸): آزمون نرمال بودن داده‌ها

سطح معناداری	مقدار آماره کندال تا اوسی
۰,۰۰۰	۰,۲۳

بر اساس جدول فوق می‌توان گفت رابطه بین دو متغیر نابسامانی‌های اجتماعی و ارتکاب سرقت، مستقیم و در حد نسبتاً ضعیف می‌باشد. به عبارت دیگر با افزایش میزان نابسامانی‌های اجتماعی در محیط زندگی افراد (افول بعد اجتماعی کیفیت زندگی)، ارتکاب سرقت توسط افراد افزایش پیدا می‌کند و بر عکس. بنابراین می‌توان گفت که بعد اجتماعی کیفیت زندگی بر کاهش سرقت موثر است و مهمترین برنامه در این خصوص، کنترل آسیب‌های اجتماعی و جرایم می‌باشد.

۳-۴. فرضیه چهارم: میزان رضایت سارقان از وضع موجود زندگی خود بر جرم (سرقت)

تاثیر دارد

برای تعیین نوع آزمون مورد استفاده از بعد پارامتری یا ناپارامتری، از آزمون کلموگروف-اسمیرنف استفاده شده است که نتایج آن در جدول زیر ارائه شده است:

جدول (۹): آزمون نرمال بودن داده‌ها

مقدار آماره کلموگروف-اسمیرنف	سطح معناداری	حجم نمونه
۴,۳۹	۰,۰۰۰	۴۳۱

با توجه به مقدار کوچکتر از ۰,۰۵ سطح معنی‌داری فرضیه نرمال بودن متغیرهای مورد مطالعه پذیرفته نمی‌شود. بنابراین می‌توان از آزمون ناپارامتری دو جمله‌ای استفاده نمود. حال باید بررسی کنیم میزان رضایت سارقان از وضع موجود زندگی خود، چه تاثیری بر ارتکاب جرم سرقت دارد. به این منظور از خیدو دو متغیره استفاده شده است که نتایج آن در جدول زیر گزارش شده است:

جدول (۱۰): آزمون نرمال بودن داده‌ها

مقدار آماره خیدو	سطح معناداری	درجه آزادی
۲۴۳,۶۸	۰,۰۰۰	3

آماره خیدو در سطح معناداری ۹۵ درصد وجود رابطه بین دو متغیر رضایت از وضع موجود زندگی و ارتکاب سرقت را نشان می‌دهد. به منظور سنجش شدت رابطه بین دو متغیر از آماره کندال استفاده شده است که نتایج آن در جدول زیر گزارش شده است:

جدول (۱۱): آزمون نرمال بودن داده‌ها

مقدار آماره کندال تا اوسی	سطح معناداری
-۰,۰۷	۰,۰۴

بر اساس جدول فوق می‌توان گفت رابطه بین دو متغیر رضایت از محیط زندگی و ارتکاب سرقت، معکوس و در حد ضعیف می‌باشد. به عبارت دیگر با افزایش میزان رضایت از وضع موجود زندگی (افزایش بعد محیطی کیفیت زندگی)، ارتکاب سرقت توسط افراد کاهش پیدا می‌کند و بر عکس. بنابراین می‌توان گفت که بعد محیطی کیفیت زندگی بر کاهش سرقت موثر است و مهمترین برنامه در این خصوص، برنامه ریزی شهری برای زیباسازی محیط زندگی افراد و افزایش تعلق خاطر به محل زندگی می‌باشد.

نتیجه

یافته‌های این تحقیق و نتایج آزمون فرضیات، به لحاظ نظری، منطبق بر تئوری بی‌سازمانی اجتماعی، محرومیت نسبی، نظریه تضاد، فشار و فرهنگ فقر می‌باشد. بر اساس این تئوری‌ها، هر گونه کاستی در بعد اقتصادی کیفیت زندگی که شاخص‌ترین متغیر این حوزه درآمد خانوار می‌باشد، موجب ایجاد فشار و نارضایتی در افراد می‌شود و این فشار موجب سوق دادن افراد به سمت انواع انحرافات و مخصوصاً انحرافات اقتصادی نظیر سرقت می‌باشد.

از سوی دیگر به واسطه نارسایی‌های اقتصادی و ضعف پایگاه اقتصادی خانوار، محل سکونت افراد به صورت ناخودآگاه در مناطقی خواهد بود که از حیث فراوانی وقوع جرایم و بروز آسیب‌های اجتماعی در شرایط مناسبی قرار ندارند و فرایند جامعه‌پذیری افراد در این محیط‌ها همراه با لمس هر روزه جرایم و آسیب‌های محیط اطراف می‌باشد. این شرایط بر زندگی افراد نیز تاثیر می‌گذارد و موجب نهادینه شدن رفتارهای انحرافی در آنها می‌شود. به همین دلیل سارقان در ارزیابی شرایط محیط زندگی خود، میزان وقوع جرایم و آسیب‌های اجتماعی را در حد زیاد می‌دانند.

بنابراین می‌توان گفت به لحاظ نظری، نتایج این تحقیق منطبق با تئوری‌های محرومیت نسبی، فشار، تضاد، بی‌سازمانی اجتماعی، رضایت و رویکرد کم‌جرفتاری مرتن است.

به لحاظ تجربی، نتایج این پژوهش در زمینه تاثیر متغیر اقتصادی بر وقوع جرم با نتایج تحقیق دفتر مطالعات و تحقیقات کاربردی ناجا (۱۳۸۸)، تقوایی (۱۳۸۹)، باقری و ملتفت (۱۳۸۹)، رضوانی و همکاران (۱۳۸۹) و عباسی نژاد و همکاران (۱۳۹۱) منطبق است. کلیه این تحقیقات به این نتیجه رسیده‌اند که متغیر بیکاری و وضعیت شغلی فرد، موجب شکل‌گیری نگرش‌ها و احساسات خاصی در فرد می‌شود که یکی از این احساسات، بروز نارضایتی فرد نسبت به شرایط جامعه است. بروز

نارضایتی در فرد به منبعی از فشار اجتماعی تبدیل می‌شود و فرد را به سمت سرقت سوق می‌دهد. در پژوهش حاضر نیز رابطه بین درآمد و ارتکاب سرقت تایید شد و نشان داده شد که با افزایش درآمد افراد، ارتکاب سرقت کاهش پیدا می‌کند.

یکی دیگر از نتایج مهم این پژوهش وجود رابطه بین بعد فرهنگی کیفیت زندگی و ارتکاب سرقت می‌باشد که این یافته با نتایج تحقیق رضوانی و ملتفت (۱۳۸۹) منطبق است. بعد فرهنگی کیفیت زندگی از طریق متغیر تحصیلات فرد، سطح تحصیلات خانوار وی و تعداد افراد خانوار فرد که دارای تحصیلات بالاتر از دیپلم می‌باشند، سنجیده شده است. بر این اساس روابط بین دو متغیر نشان داد که با افزایش سطح تحصیلات افراد، ارتکاب سرقت توسط آنان کاهش پیدا کرده است.

تأثیر نابسامانی‌های اجتماعی بر ارتکاب سرقت، یافته بعدی این پژوهش است که با نتایج تحقیق تقوایی (۱۳۸۹) همخوانی دارد. نابسامانی‌های اجتماعی به عنوان بعد اجتماعی کیفیت زندگی در نظر گرفته شده‌اند که موجب جامعه‌پذیری منفی فرد می‌شوند و به مرور بر رفتارها و افکار افراد تأثیر می‌گذارند. زندگی در محیط‌هایی که وضعیت آسیب‌ها و جرایم در آنها به صورت بحرانی می‌باشد، منجر به شکل‌گیری خرده فرهنگ‌های منحرف می‌شود که این خرده فرهنگ‌ها، رفتارهای انحرافی همانند سرقت و خشونت را تبلیغ می‌کنند و افراد را به ارتکاب این گونه جرایم تشویق می‌کنند.

رضایت از وضع موجود زندگی نیز متغیری است که به بعد محیطی کیفیت زندگی مربوط می‌باشد و بر اساس نتایج این پژوهش با سرقت رابطه معنی‌داری دارد. این پژوهش با یافته‌های تحقیق دفتر مطالعات و تحقیقات کاربردی ناجا (۱۳۸۹) همخوانی دارد. بر این اساس، زمانی که رضایت افراد از محیط زندگی خود کاهش پیدا کند، احساس محرومیت در آنها شکل می‌گیرد و برای جبران این محرومیت و رهایی از این وضعیت، به ارتکاب سرقت دست می‌زنند.

پیشنهاد

راهکارها و پیشنهادهای این پژوهش در دو سطح پیشنهادات کاربردی و پیشنهادات پژوهشی قابل طرح می‌باشد. پیشنهادات کاربردی نیز بر اساس یافته‌های این پژوهش در چهار حوزه مهم قابل طرح می‌باشد که در ادامه به هر یک از این حوزه‌های می‌پردازیم.

الف) پیشنهادهای مبتنی بر یافته‌های تحقیق

پیشنهادهای مرتبط با نتایج فرضیه اول

- از آنجایی که رابطه درآمد و ارتکاب سرقت تایید و نشان داده شد که نارسایی در وضعیت اقتصادی افراد می‌تواند، زمینه‌ساز بروز جرم باشد، لذا پیشنهاد اول، برآوردن نیازهای اساسی افراد می‌باشد. در حال حاضر هدفمند یارانه‌ها و برنامه‌های حمایت اجتماعی دولت، در زمره مهمترین برنامه‌هایی هستند که در صورت اجرای صحیح و هدفمند، می‌توانند اقشار آسیب پذیر را زیر چتر حمایتی قرار دهند.
- لزوم اجرای برنامه‌های فقرزدایی و توانمندسازی در مناطق حاشیه نشین شهرها که از نظر اقتصادی نیز دچار مشکلات جدی هستند، به شدت احساس می‌شود.
- لازم است در خصوص اشتغال افراد مجرم برنامه‌های خاصی از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی اجرایی شود. اجرای این برنامه‌ها نیز نیازمند همکاری مشترک این وزارتخانه با نیروی انتظامی می‌باشد.

پیشنهادهای مرتبط با نتایج فرضیه دوم

- دولت بایستی در خصوص گسترش آموزش و پرورش رایگان تا پایان دوره متوسطه اقدامات لازم را انجام دهد و این مهم را به خصوص در مناطق حاشیه‌ای شهر اجرایی نماید.
- الزام افراد زندانی به سوادآموزی نیز از جمله برنامه‌های مهمی است که بایستی از طریق همکاری نیروی انتظامی و قوه قضاییه اجرایی شود.
- وزارت آموزش و پرورش بایستی برنامه‌ای اتخاذ نماید که بر اساس آن و تحت هر شرایطی، مانع از ترک تحصیل افراد شود.

پیشنهادهای مرتبط با نتایج فرضیه سوم

- این حوزه که بعد اجتماعی کیفیت زندگی است، با فعالیتهای نیروی انتظامی مقاربت زیادی دارد و در واقع تحت تاثیر فعالیتهای این نیرو می‌باشد. از آنجایی که میزان نابسامانی‌های اجتماعی در محیط زندگی سارقان در حد زیادی است و بر ارتکاب سرقت توسط آنان تاثیر می‌گذارد، لازم است که نیروی انتظامی نسبت به شناسایی مناطقی که

دارای میزان بالایی از آسیب‌های اجتماعی هستند، اقدام کند و در راستای کاهش این آسیب‌ها اقدام نماید.

- تشکیل بانک محلات آسیب خیز و برخوردار از نرخ بالای جرم توسط نیروی انتظامی.
- نظارت بیشتر و دقیق‌تر نیروی انتظامی در مناطق حاشیه‌ای شهر، به منظور کنترل مجرمان بالقوه و پیشگیری از بروز جرایم.
- افزایش نیروهای گشتی پلیس در مناطق حاشیه‌ای به منظور نظارت بیشتر بر محیط‌های مختلف این مناطق، در پیشگیری از سرقت موثر است.

پیشنهاد‌های مرتبط با نتایج فرضیه چهارم

- با توجه به اینکه رضایت افراد از محیط زندگی می‌تواند بر رفتارهای انحرافی آنان تاثیر بگذارد، نیروی انتظامی می‌تواند با مشارکت شهرداری، نسبت به شناسایی مناطق آسیب‌پذیر اقدام نماید و در این مناطق برنامه‌هایی از قبیل بهبود نظافت محله، توسعه فضای سبز شهری و زیباسازی معابر را اجرایی نمایند.
- بهبود ارائه خدمات به مناطق حاشیه‌نشین از سوی نهادهای حمایتی، زمینه جذب بیشتر ساکنان این مناطق را فراهم می‌کند و این جذب شدن و پیوند آنها با جامعه، موجب افزایش رضایت‌مندی آنها از محیط زندگی شان می‌شود. این رضایت خود به عنوان عامل کاهش بروز سرقت عمل می‌کند.
- تدوین مصوبه دولتی برای ارتقاء کیفیت زندگی و تعیین یک واحد کوچک درون هیات دولت برای پیگیری و تسهیل فرایندهای اجرایی شدن این مصوبه.

ب) پیشنهاد‌های مبتنی بر تجربیات محقق

- اجرای طرح‌های گشت زنی شهروندان در سطح محلات فقیر به منظور افزایش نظارت و کمک به پلیس.
- تفکیک سارقان زندانی بر اساس شدت جرم سرقت به منظور پیشگیری از انتقال تجارب مجرمان حرفه‌ای به مجرمان آماتور.
- تهیه بانک اطلاعات محله‌های آسیب خیز و فقیر شهرهای بزرگ کشور به منظور کنترل آسیب‌های اجتماعی و نظارت بر مجرمان ساکن این محلات.

ج) پیشنهادهای برای تحقیقات آینده

۱- ایجاد یک مرکز ملی برای گردآوری و انتشار داده‌های مستمر مربوط به کیفیت زندگی به منظور پایش مداوم و مستمر فعالیت‌ها و فرایندهایی که در این حوزه در حال اجراء هستند.

۲- تدوین شاخص‌های کیفیت زندگی و خوشبختی (عینی و ذهنی) برای ارزیابی تأثیر، پایش و کنترل و مقایسه عملکرد سازمان‌های بزرگ.

۳- اطلاع‌رسانی در حوزه عمومی در مورد اساسی بودن توانایی‌های خود مردم در تصمیم‌گیری‌های موثر در مورد کیفیت زندگی و آگاهی بخشی در مورد سلامت عمومی. ارزیابی تأثیرات (اجتماعی، فرهنگی، سلامت، اقتصادی، زیست‌محیطی و ...) سیاست‌ها، برنامه‌ها و پروژه‌های جدید بر ارتقاء کیفیت زندگی قبل از نهایی شدن آنها..

منابع

فارسی

کتاب‌ها

- اوتق، نورمحمد (۱۳۸۵)، **بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی
- باسحا، مهدی؛ عاقلی کهنه شهری، لطفعلی و مسائلی، ارشک (۱۳۸۹)، **رتبه بندی شاخص کیفیت زندگی در استان‌های کشور**، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره ۳۷.
- باقری، معصومه و ملتفت، حسین (۱۳۸۹)، **برخی عوامل موثر بر ارتکاب جرم زنان**، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۴، شماره ۲
- پورجعفر، محمدرضا؛ کوکی، افشین و تقوایی، علی اکبر (۱۳۸۴)، **برنامه ریزی کیفیت زندگی در مراکز شهری**، تعاریف و شاخص‌ها، جستارهای شهرسازی، شماره ۱۲، صص ۱۳-۶.
- تقوایی، مسعود (۱۳۸۹)، **بررسی و مقایسه شاخص‌های ششگانه جرم در سطح مناطق مختلف شهر شیراز**، نشریه جغرافیا، دوره ۸، شماره ۲۶
- حسینی، نثار (۱۳۸۳)، **بررسی عوامل موثر بر بزهکاری نوجوانان در رشت**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
- ربانی خوراسگانی، علی، کیان پور، مسعود (۱۳۸۶)، **مدل پیشنهادی برای سنجش کیفیت زندگی**، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دوره ۱۵، شماره ۹-۵۸.

- رضوانی، محمدرضا و منصوریان، حسین (۱۳۸۷)، **سنجش کیفیت زندگی: بررسی مفاهیم، شاخص‌ها، مدل‌ها و ارائه مدل پیشنهادی برای نواحی روستایی**، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۱، شماره ۳، پاییز.
- رضوانی، محمدرضا؛ متکان، علی اکبر؛ منصوریان، حسین و ستاری، محمد حسین (۱۳۸۸)، **توسعه و سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی شهری**، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری منطقه‌ای، دوره ۱، شماره ۲
- سیف‌الدینی، فرانک (۱۳۸۱)، **فرهنگ واژگان برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای**، دانشگاه شیراز.
- صدیق‌سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۳)، **آسیب‌شناسی اجتماعی**، تهران: انتشارات آن.
- طزری، تقی (۱۳۹۱)، **بررسی میزان رضایت شهروندان از خدمات شهرداری منطقه و مقایسه آن با نتایج مطالعات قبلی در منطقه ۹ شهرداری تهران**، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، معاونت برنامه ریزی و توسعه شهری.
- عباسی‌نژاد، حسین (۱۳۹۱)، **بررسی رابطه بین بیکاری و جرم در ایران**، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال بیستم، شماره ۶۴
- عبدی، عباس و گودرزی، محسن (۱۳۷۸)، **تحولات فرهنگی در ایران**، تهران: روش.
- علی‌اکبری، اسماعیل و امینی، مهدی (۱۳۸۹)، **کیفیت زندگی شهری در ایران**، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۶.
- غفاری، غلامرضا و امیدی، رضا (۱۳۸۸)، **کیفیت زندگی: شاخص توسعه اجتماعی**، تهران: شیرازه.
- قاسمی، حسین؛ حریری، محمود، مثنوی، عطاالله؛ رهگذر، مهدی و اکبریان، مهدی (۱۳۸۹)، **مقایسه کیفیت زندگی سالمندان مقیم خانواده و مقیم سرای سالمندان شهر اصفهان**، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۹.
- محسنی‌تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳)، **وندالیسم**، تهران: انتشارات آن.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۱)، **انحرافات اجتماعی (نظریه‌ها و دیدگاه‌ها)**، تهران: شرکت سهامی انتشار
- هوشمند، احسان و کوه‌شکاف، ناهید (۱۳۸۱)، **پدیده سرقت و عوامل اجتماعی مرتبط با آن در استان کردستان ۱۳۷۶-۱۳۷۷**، مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی و انجمن جامعه‌شناسی ایران، جلد ششم

منابع لاتین

- Ciegel. J.Larry (2001), **Criminology, Theories, patterns and typologies**, wads worth.
- Foo Tuan Seik(2000), **Subjective assessment of urban quality of life in Singapore**, Habitat International, 24, pp 31-49
- Hale, C. (1996). **"Fear of crime : a review of the literature"**, International Review of Victimology, Vol., 4, pp. 79-150